

بسم الله الرحمن الرحيم

نشانه های تمدن در قرآن

رضا عباس زاده؛ احد داوری چلقائی^۲

چکیده:

نشانه های زیادی در ارتباط با تمدن در قرآن آمده است. پژوهشگر با واری های که انجام داده، قادر به یافتن ویژگی های بارزی از تمدن که در قرآن آمده شده است، که این ویژگی ها عبارتند از: ارتباطات، وجود حکومت، قدرت، علم، کشاورزی، صنعت، عمران و هنر. پژوهشگر با روش تحلیلی توصیفی همچنین با مراجعه با منابع کتاب خانه ای و با استفاده از فیش برداری اقدام به تبیین این ویژگی ها کرده است. در اینجا مسئله اساسی که در باره تمدن ها مطرح میگردد این است که؛ زمانی تمدن قدرتمندی شکل میگیرد که همه این موارد در کنار هم به عالی ترین شکل ممکن قرارگیرند و تمدن قدرتمند در سایه این ویژگی ها معنا پیدا میکند و به عنوان مسئله مهمی در بررسی های انجام شده مطرح میگردد. مسئله تمدن همواره در مطالعه گذشتگان از مسائل اصلی بررسی ها و پژوهش ها بوده و هست، که در این پژوهش سعی شده به بررسی این مهم از منظر قرآن پرداخته شود. هدف از این تحقیق این است که به مخاطب در زمینه شناخت هرچه بهتر نشانه های تمدن و علی الخصوص نشانه های آن از منظر قرآن کمک کند و اهمیت بررسی تمدن ها را که در قرآن نیز با عنوان مطالعه گذشتگان و عبرت آموزی از سرگذشت آنان آمده، نشان دهد.

واژگان کلیدی: تمدن، قرآن، نشانه های تمدن

۱. دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده علوم قرآنی مراغه. rezaabbaszadeh99@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ دانشکده علوم قرآنی مراغه. davari@quran.ac.ir

تمدن جزء جدایی ناپذیر بشر است؛ و مطالعه تمدنی از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در این پژوهش سعی شده به نشانه هایی از تمدن که در قرآن آمده است پرداخته شود و شناخت این نشانه ها و توضیحاتی که در قرآن در رابطه با آن ها آمده و تبیین آن ویژگی هایی که توأم با مضامین قرآنی هستند و همچنین اقدام پژوهشگر به افزودن مثال های جامع و متنوعی با توجه به هر یک از آن ویژگی ها باعث بوجود آمدن نوعی نگه تمدنی شده است؛ در نگاه تمدنی است که شرایط برای نهادینه کردن اجتماعی یک فکر آن هم در گستره ای وسیع ممکن می گردد. (۴۷) تمدن شناسی هم در جهت تمدن سازی است و هم در جهت خروج از سلطه تمدن دیگر. (۲۴). به گونه ای که باید گفت همه فعالیت های یک ملت در قالب تمدن نمایان میشود و آیندگان هنگامی که به بررسی رخداد گذشتگان خود می پردازند در حقیقت نگاه تمدنی دارند، اما اهمیت این نگاه زمانی افزون میشود و آیندگان هنگامی که به اقدام به بررسی تمدن و نشانه های آن در سایه کتابی چون قرآن کرده است. با بررسی قرآنی تمدن حتما به نتایجی میرسیم که بدون هیچگونه تردید قابل تامل و بررسی هستند که در این پژوهش سعی شده به بررسی آنها با مراجعه به منابع معتبر و متنوع و گسترده، صورت گیرد، البته باید این را هم گفت همه تمدن ها به تکامل نظام اخلاقی و رشد معنویات اهتمام میورزند. (۱۸) ولی قرآن به عنوان کتاب اول مسلمین رهنمون ها و ایده های بهتری را در باره این موضوع عرضه داشته و در دست بشریت قرار داده و در مواردی که سخنانی درباره تمدن ها آورده، مخاطب را مورد انذار قرار داده تا از گذشته گان خود عبرت بگیرد. تمدن ها دارای نشانه هایی هستند؛ البته نظر غربی ها با نظر مسلمانان در مورد نشانه های تمدن در مواردی موافق و در مواردی مخالف نظر قرآن و مسلمانان هست، آنان دنبال بخش های ابزاری و مادی تمدن هستند از نظر آیت الله خامنه ای بخش ابزاری تمدن عبارت است از: علم، اختراع صنعت، سیاست، اقتدار، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبیغ و ابزار های تبلیغ. (۸۰) در حقیقت آنان از بحث معنوی و فرمایشات خداوند در غفلتند حتی برخی از اندیشمندان غربی بر این باور ندارند که تمدن ها براساس دوره های ثابت و معین ظهور کنند، رشد یابند و از بین بروند (۱۶) در حالی که خداوند بارها در این مورد به بشریت انذار داده که به عاقبت گذشتگان شان رجوع کنند و از آن ها عبرت بگیرند و باید گفت: تمدن ها موجودیتی قابل درک اند، پویا هستند، ظهور و سقوط میکنند، تقسیم میشوند و در وادی زمان دفن میشوند (۷۸) در این مقاله نشانه های تمدن از منظر قرآن مورد بررسی قرار گرفته است و به اهمیت بررسی این نشانه ها پرداخته شده است و با مراجعه به منابع مختلف سعی بر این شده به بررسی این نشانه ها پرداخته شود. قرآن که کتاب اول مسلمانان است و مقاله حاضر نیز به بررسی نشانه های تمدن از منظر آن مورد تدوین قرار گرفته، با توجه به این مهم در پاره ای از موارد تمدن اسلامی نیز مورد بررسی قرار گرفته است، هرچند اصل گرایان رویکرد های عقلی و فلسفی را به دین نمی پذیرند و واژه تمدن و ترکیب (تمدن اسلامی) را واژه ای غربی دانسته اند و آن را برنناخته اند (۳۲) ولی باید گفت که؛ همه می دانیم در آن زمان که اروپا در جنگ قرون وسطی، دست و پا می زد، تمدن اسلامی در عصر طلایی خود بود (۷۰) در مورد مسئله تمدن برخی رو به گذشته دارند و تمدن را امری تاریخی می بینند، برخی حال را مینگرند و تمدن را همچون پروژه

می انگارند، برخی چشم به آینده و به فرجام تمدن می اندیشند. عده ای دل نگرانند و دهشت و بدفرجامی میبینند و عده ای دل خوش از غایت تمدن، به تفرج مشغول اند (۷۶) همچنین باید اشاره کرد که علم و دانش به عنوان یکی از نشانه های تمدن از منظر قرآن که در این پژوهش نیز به آن پرداخته شده است، در گذشته و علی الخصوص در جهان امروزی به عنوان مهمترین نشانه تمدن از آن یاد میشود و سرانجام، جهد و کوشش در راه علم و بسط هنر که عالی ترین عنصر تمدن بشری و تجلی گاه ذوق و نبوغ آدمی است موجب پیشرفت میشود (۲۶) و نباید نقش قرآن را در این مورد نادیده گرفت؛ آنچه این مایه ترقیات علمی و پیشرفتهای مادی را برای مسلمین میسر ساخت در حقیقت همان اسلام بود که با تشویق مسلمین به علم و ترویج نشاط حیاتی، روح معاضدت و تسامح را جانشین تعصبات دنیای باستانی کرد، و در مقابل رهبانیت کلیسا که ترک و انزوا را توصیه می کرد، با توصیه مسلمین به "راه وسط" توسعه و تکامل (۳۰) در مورد تمدن، نقش و نشانه های آن تحقیق و پژوهش های زیادی به عمل آمده ولی در این تحقیق سعی شده تا از منظر قرآن و همچنین منابع مختلف دیگر این مهم مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش با توجه به نگاه جامع ای که به عناوین مذکور شده است سعی بر این شده تا نشانه هایی از تمدن که در قرآن ذکر شده است با مراجعه به منابع مختلف مورد واکاوی قرار گیرد. و مراجعه به این منابع با روش تحلیلی توصیفی، همچنین مراجعه به منابع کتاب خانه ای و فیش برداری بوده است. همچنین باید گفت قرآن به عنوان مهمترین پیش فرض در این پژوهش است که کاملاً مورد اثبات قرار گرفته است و با این سوال که چه نشانه هایی برای یک تمدن در قرآن ذکر شده است؟ پژوهش گر اقدام به نگارش پژوهش فعلی کرده است.

۲- پیشینه

پژوهشگر با واری های که انجام داده قادر به یافتن پیشینه مستقیم برای پژوهش فعلی نشده است ولی در این جست و جو به یک سری پیشینه غیر مستقیم دست یافته، مثل کتاب (شکوه ایمان: بازشناسی تمدن مسلمین نوشته علی آقاجانی قناد) و کتاب (آشنایی با تاریخ و تمدن اسلامی نوشته عبد الحسین بینش) و همچنین مقالاتی چون: (شاخصه های تمدن اسلامی از منظر قرآن نوشته احد داوری و هاجر جهاننیده) و (درک اندیشمندان متاخر مسلمان از تمدن نوشته سیئ امیر حسن دهقانی و حسین حضرتی) و (تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی نوشته یحیی فوزی و محمود رضا صنم زاده) در حقیقت نوآوری پژوهش فعلی نسبت به پژوهش های دیگر که به موضوع تمدن و عوامل مختلف آن در قرآن مربوط است، این است که به بررسی جامع نشانه های تمدن از منظر قرآن پرداخته شده است.

۳- بررسی مفاهیم

قبل از پرداختن به مباحث اصلی میبایست در گام نخست به تبیین واژه ای پرداخت که شاکله اصلی این پژوهش را در بر گرفته است و آن واژه تمدن میباشد. تمدن را از دو حیث لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار میدهیم.

۳-۱- تمدن

تمدن در لغت: در قرآن مجید، از ریشه ی (م _ د _ ن) یا (ح _ ض _ ر) که در عربی واژه ی (حضارة) را از آن ساخته اند، واژه ای برای تمدن وجود ندارد. با این حال چند واژه ی قرآنی (امت)، (قریه) و (قرن) با این واژه ارتباط نزدیکی دارند و تقریباً همین معنا را می رسانند. (۴۴) همچنین تمدن لغتی است عربی از واژه مدن، که عکس بداوة (بادیه نشینی) است معادل آن در عربی اقامت در حضر است. (۷) مدینه یعنی شهر از همین ریشه گرفته شده است (۶) در زبان انگلیسی و فرانسوی، اصطلاح تمدن با واژه های Civilization و Civilization برگردان می شود که هر دو از ریشه ی واژه ی انگلیسی Civil به معنای (مدنی) و (با تربیت اجتماعی) هستند. این واژه در فرهنگ های انگلیسی، با واژه های با ادب، با نزاکت، قابل احترام، شهرنشین و سه مترادف آمده و در فرانسه به معنای پیشرفت، ترقی و توسعه تحول و تطور است (۵۳) بنابراین تمدن یعنی اسباب و اسالیب شهر نشینی اختیار کردن، شهر نشین شدن، خوی شهری « شهرنشینی، تربیت، ادب و معرفت اجتماعی داشتن » گزیدن. (۵۶) تمدن به معنای خروج از جهل و ورود به راه و رسم انسانیت و ترقی است. (۴۵)

معنای اصطلاحی تمدن: صاحب نظران با تکیه بر معنای لغوی برای تمدن تعاریف اصطلاحی مختلفی ارائه کرده اند (۷۷) ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان میداند (۳) همچنین هانتینگتون میگوید: تمدن بالاترین سطح گروه بندی فرهنگی مردم و گسترده ترین هویت فرهنگی است که می توان انسان ها را با آن طبقه بندی کرد (۷۵) ویل دورانت معتقد است تمدن، نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و چهار رکن و عنصر اساسی رادبر می گیرد که عبارت از پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر است. (۲۵) برخی دیگر، تمدن را در معنای کلی آن، مجموعه ساخته ها و اندوه های معنوی و مادی جامعه انسانی میدانند (۳۵) ساموئل هانتینگتون؛ تمدن را بالاترین گروه بندی فرهنگی و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می آورد (۷۴) آیت الله خامنه ای نیز در تعریف تمدن می فرماید: تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت های زندگی (۷۹)

و در نهایت باید گفت: تمدن ماحصل اقدامات مجموعه ای از انسان ها است که با پیروی از رهبران قدرت مندشان اقدام به بوجود آوردن قلمرویی قدرتمند میشوند که در جنبه های مختلفی چون؛ قدرت، علم، هنر و... دارای سخنان زیادی برای گفتن هستند و تاثیر خود را بر دیگران میگذارند و در حقیقت دیگران از آن ها تاثیر پذیر هستند و این تاثیر پذیری سالیان متمادی میتواند جریان داشته باشد...

۴- نشانه های تمدن در قرآن

در قرآن به مسئله تمدن اشارات زیادی شده است و قرآن کریم در آیات مختلفی این تمدن ها را به عنوان شاهد مثال آورده است که در این پژوهش سعی شده نشانه های این تمدن هایی که در قرآن آمده ذکر و همچنین مورد بررسی قرار بگیرد.

۴-۱ - ارتباطات

یکی از مهمترین عوامل بسط و گسترش تمدن ها ارتباطات و گفت و گو هایی است که صورت میگیرد؛ زیرا با ارتباط و گفت و گو است که میتوان آرا و نظرات مختلف را در اقصی نقاط کره خاکی منتقل کرد و به گسترش و پیشرفت تمدن پرداخت و همچنین با ارتباط و گفت و گو است که میتوان تولید علم کرد؛ بالاخص در قرون اخیر یاد گیری و یاد دهی زبان هایی غیر از زبان مادری پیشرفت چشمگیری کرده، زیرا گفتمان میبایست به زبان ساده باشد تا بهتر درک شود و با فهم آسان زبان های دیگر میتوان به راحتی با افراد دیگر ارتباط برقرار کرد. گفتمان به زبان ساده عبارت از این است که یک مفهوم و یک معرفت همه گیر شود. بوجود آمدن گفتمان فراگیر به نحوی که افکار عمومی و اندیشه آحاد جامعه را به تصرف خود درآورد واقعیتی است که همواره در نظام فکری و معنایی جوامع مختلف جاری است. زبان به عنوان عملی اجتماعی و در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن اعم از گفتار و نوشتار مورد مطالعه قرار میگیرد (۲) در آیه ای از قرآن به این موضوع یعنی ارتباطات اشاره شده است: **وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا** (کهف ۹۳) در آنجا گروهی غیر از آن دو را یافت که به علت (دوگانگی زبان) سخن آن ها را نمی فهمیدند. (۱) در آن جا مردمی زندگی میکردند، که زبان کسی را نمیفهمیدند و خودشان دارای زبانی مخصوص بودند. ابن عباس میگوید: طوری بودند که به سختی مطالب دیگران را میفهمیدند (۳۹) **لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا** کنایه از سادگی و بسط فهم آنان است و چه بسا گفته اند کنایه از عجیب و غریب بودن لغت و زبان آنان باشد، که گویا از لغت ذو القرنین و مردمش بیگانه بوده اند ولی این قول بعید است. (۳۸) در اثر ارتباطات و گفت و گو هایی که میان افراد صورت میگیرد ذهن افراد وارد پویایی میشوند تا راه حل ها جدیدی برای مشکلات پیدا کند و یا به پرسش هایی که در اثر گفت و گو مطرح میشود پاسخ دهد. ارتباط و گفت و گو البته زبان هایی هم دارد؛ از آفت های گفتار و ارتباط میتوان به تنبلی و عدم پشتکار و تلاش اشاره کرد که شهید مطهری آن را اینگونه توصیف میکند؛ تشیع و دوستی اهل بیت پیغمبر را وسیله قرار دادیم برای اینکه از زیر بار اسلام بیرون بیائیم. حالا ببینید این فکر چقدر مسخ شده است! این حقیقت عالی به شکل منکوس در فکر ما وارد شده، در ما نتیجه معکوس داده، وسیله تنبلی شده، وسیله هیچ. کار نکردن با انتظار اینکه همه کارها را مولی کرده، در قیامت هم مولی می کند (۶۱) منظور شهید مطهری این است که عده ای از مسلمانان فقط زبانا ارادت خود را به خدا، پیغمبر و اهل بیت او اظهار میکنند، بدون آنکه تلاش کنند تا به سخنان آنان عمل کنند و این یکی از آفاتی است که در اثر ارتباط بوجود می آید و حتی این ارتباطات و گفتار های بدون عمل باعث میشود تا یک سری افکار منفی و حتی جاهلانه در افراد رسوخ پیدا کند زیرا پویایی که در اثر گفت و گو بوجود آمده و باعث بوجود اعتقاداتی شده و فرد که در اثر کهالت از عمل به آن سرباز میزند باعث میشود افراد دچار تشویش ذهنی شوند و گاهی این موجب جمود فکری و حتی تعصب میشود؛ انحطاط علوم و تمدن اسلامی در حقیقت از زمانی در کشورهای اسلامی آغاز شد

که متعصبین اهل سنت و حدیث و فقها توانستند مبارزان خود را از فلاسفه و حکما و علما و معتزله در بغداد شکست دهند، یعنی از اوایل قرن چهارم به بعد... سخت گیری نسبت به معتزله که اهل بحث و نظر و استدلال بودند، باعث شد افراد متعصب بر روی کار آیند (۲۷) البته قرآن کریم هر عملی را که از روی نادانی و هوای نفس انجام شود مصداق جاهلیت میداند. بداندیشی به خدا و افعال او، حکومت نا حق و قانون خلاف، تعصب های نابجا و... از معیار ها و نمود های جاهلیت شمرده شده است. (۶۸) در اثر گفت و گو و ارتباط پیشرفت حاصل میشود ولی این پدیده آفاتی نیز دارد؛ جهالت یکی از جمله بزرگترین نمونه های این آفات است که اگر آنرا به صورت مختصر و مفید بخواهیم تبیین کنیم میتوانیم به قهرقرا کشیدن تمام پدیده های پیرامونش اشاره کنیم، یعنی جهالت در همه عوامل و اوامر موجب تزلزل میشود. نمونه ای دیگر از ارتباط و گفت و گو، گفت و گوی اشخاص سیاسی بایکدیگر است. گفت و گوی اشخاص سیاسی که امروزه نیز رونق زیادی گرفته و در معاصر میتوان به گفت و گو های دول شرق و غرب در دوران جنگ سرد و مذاکره دو کشور ایران و عراق برای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ برای خاتمه دادن به جنگ و همچنین در سال های اخیر مذاکره ایران با کشور های موسوم به ۱+۵ اشاره کرد. موضوع گفت و گو بین اشخاص سیاسی اهمیت ویژه ای در سرنوشت ملت ها دارد برای مثال گاهی از مواقع مانع از وقوع جنگ میشود و یا حتی مانع از بوجود آمدن خصومت بین دولت ها میشود؛ پیامبر (ص) برای حل مسائل از طریق دیپلماسی به مذاکره و گفت و گو بسیار علاقه مند بودند. وجود سنت حسنه ی گفت و گو با مخالفان و حتی مشرکان، چه قبل و چه بعد از تشکیل حکومت اسلامی در مکه و مدینه و سیره علمی پیامبر (ص) موبد این مدعا است، که نمونه بارز آن صلح حدیبیه بود. (۹) در جریان صلح حدیبیه اگر چه نماینده ی مشرکان چندین مرتبه تغییر کرد و مشرکان جهت بستن راه های دیپلماتیک تلاش بسیار کردند، اما در نهایت با صبر و تحمل، کار با مذاکره به انجام رسید (۶۴) همچنین میتوان به جریان فرستادن نمایندگان توسط پیامبر به ملل دیگر برای اسلام آوردن؛ سفرای پیامبر اکرم (ص) که نزد ملوک و اقوام مختلف می رفتند، خود با مخاطب نامه پیامبر (ص) گفت و گو می نمودند و این مطلب مبین زبان دانی ایشان میباشد (۸). در جریان هجرت مسلمانان به حبشه نیز جایگاه و اهمیت سخنوری جعفر و تاثیر آن به خوبی مشاهده می شود (همان، ج ۳، ۵۱۴ به بعد) و میتوان این گونه گفت: گفتمان در علوم مختلف به گونه طراحی شده که گویی بدون وجود آن امکان درک و راه یابی به عمق مسائل علمی امکان پذیر نیست و گفتمان حاکم بر بحث علمی، خود تعیین کننده بخشی از هویت آن است و بدون آن نمیتوان واقعیت مسائل را به گونه ای که باید شود درک نمود (۷۲)، (۱۳) گفت و گو ها گاه بین دو ملت دوست و برای پایبست بنیان های دوستی میتواند باشد و گاهی بین دو کشور که رابطی دوستی ضعیف و حتی در مواردی دشمن همدیگر نیز هستند، میتواند صورت گیرد. از اهمیت شگرف گفت و گو نباید غافل شد همانطور که از بزرگان نیز شنیده ایم که؛ هیچ وقت مسئله ای که با زبان و گفت و گو بین طرفین حل میشود را به غربت نینداخته و سمت راه حل های دیگر نروید...

۲- وجود حکومت

حکومت هم به معنای عمل حکم راندن و هم به معنی مجموعه نهاد های مجری احکام به کار می رود و از این رو نسبت به مفهوم انتزاعی تر دولت مفهوم عینی تر است و کار ویژه های اصلی حکومت، وضع قوانین و اجرای آن هاست (۱۴) همچنین؛ واژه

حکومت به سرزمین اشاره ندارد. حکومت کارگزاری است که بدان وسیله اراده دولت متبلور میشود، بیان میگردد و جامه عمل میپوشاند (۴۱) همچنین دال میگوید: هر حکمرانی بتواند در درون محدوده ارضی معین به منظور اجرای مقررات خویش دعوی انحصاری استفاده مشروع از زور را با موفقیت به کرسی نشاند، حکومت خوانده میشود (۲۳) از میان حکومت های طبیعی و بهنجار، پادشاهی بهترین و پولیتی بدترین حکومتهاست و در میان حکومت های منحرف و فاسد، دموکراسی بهترین و تیرانی بدترین شکل حکومت است (۴۱) قدرت و اختیار حکومت کردن مطلق نیست بلکه مشروط است. اقتدار را خداوند به حکومت داده است و فقط در راه ایجاد آن شرایطی که اجتماع خوب را ممکن می توان آن را بطور مشروع به کار برد (۴۰) در میان مکتبها و مسلکها و دینها و آئینها تنها اسلام است که قدرت پاسخگویی به همه نیازها را دارد. و همه ملت هارا می خواهند داشت، جز اینکه به اسلام ناب روی بیاورند. (۵۹) اسلام غلها و زنجیرهایی را که به دست و پا و گردن مردم جهان بسته شده است، پاره خواهد کرد و یک تمدن عظیم و وسیع را فراهم خواهد ساخت. (۵۷) امام خمینی در باب ماهیت حکومت اسلامی می فرماید: حکومت اسلام حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد، از رسول اکرم تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند (۱۱) در قرآن به وجود حکومت های متعددی اشاره شده است، از جمله ذوالقرنین در سوره کهف: **إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (کهف ۸۴)** سپس اضافه می کند "ما در روی زمین او را تمکین دادیم" (قدرت و ثبات و نیرو و حکومت بخشیدیم) "و اسباب هر چیز را در اختیارش نهادیم" (۶۵) همچنین وجود حکومت سبا: **إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (نمل ۲۳)** "دهد" با این سه جمله تقریباً تمام مشخصات کشور سبا و طرز حکومت آن را برای سلیمان بازگو کرد نخست اینکه کشوری است آباد دارای همه گونه مواهب و امکانات. دیگر اینکه يك زن بر آن حکومت می کند، و درباری بسیار مجلل دارد حتی شاید مجلل تر از تشکیلات سلیمان چرا که هدهد تخت سلیمان را مسلماً دیده بود، با اینحال از تخت ملکه سبا به عنوان "عرش عظیم" یاد می کند. (۶۵) همچنین باید گفت: مشورت در امور کشوری و حکومتی از مسائل مهمی می باشد که در بقای یک تمدن و حکومت نقشی اساسی ایفاء خواهد کرد چنانکه در هر حکومت و نظامی وجود اتاق فکر که مغز متفکر جامعه می باشد، در هر رده ای از اجتماع از ضروریات می باشد و از این روی در سوره شوری اشاره شده **وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ (شوری ۳۸)** گفته میشود: این موضوع میان ایشان بشوری گذاشته شده است، هنگامی که پیرامون آن با یکدیگر بمشورت پردازند شوری بر وزن «فعلی» از مشاوره است، و آن عبارتست از گفتگو پیرامون موضوعی تا حق ظاهر گردد، مؤمنین هیچگاه در کارهای خود تکروری نمیکنند، و با دیگران هم مشورت میکنند. (۳۹) و یا در سوره آل عمران آمده: **وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ آلَ عِمْرَانَ (۱۵۹)** که نقل قول هایی در باره این آیه وجود دارد؛ (في الأمر) لفظی است عام برای همه افعال و اقوال می باشد. (۲۸). مشورت میتواند در جنگ و سایر اموری که در باره آن وحیی از جانب خداوند نیامده باشد. (۳۹) (۳۳) و یا مشورت می تواند در میان همه امت و برای همه کارهای اجتماعی باشد. (۳۴) در واقع امر یعنی حوادث و پیش آمدهای عمومی که همه مردم جامعه در سود و زیان آنها شراکت دارند. (۳۷) همچنین باید افزود (الامر) شامل جمیع امور دنیوی هست. (۶۴) و در همه امور اجتماعی که روی تشخیص مردم و صلاح دید افراد میباشد، واقع خواهد شد. و فعلاً این معنی در حکومتها و تصویب قوانین مملکتی صورت خارجی

دارد. (۵۶) و در پایان این نکته را نیز باید افزود، متأسفانه تغییر ماهیت حکومت تبدیل خلافت اسلامی به پادشاهی خودکامه و نظام های استبدادی از دیگر عوامل عقب ماندگی مسلمانان بود. تغییر ماهیت حکومت از حکومت ارزشی و مردمی به حکومتی بر پایه زور و تزویر موجب شد تا توجهی به رشد و شکوفایی تمدن اسلامی نشود. یکی از اندیشمندان آلمانی در این باره می گوید: بسیار شایسته است که ما مجسمه طلایی معاویه را در یکی از میدانهای پایتخت آلمان یعنی برلین نصب کنیم، زیرا او بود که نظام حکومت دموکراسی اسلام را به استبداد و دیکتاتوری تبدیل کرد و اگر او نبود، اسلام تمام عالم را فرا می گرفت و هم اکنون ما مردم آلمان و دیگر ملت های اروپا همگی عرب و مسلمان بودند. (۴۶) به نقل از (۲۹)

۴-۳ قدرت

قدرت مجموعه منابع و ابزار های اجبار آمیز و غیر اجبار آمیزی است که حکومت ها برای انجام کار ویژه های خود از آنها بهره مندند و آن ها را به کار می برند (۱۴) واژه قدرت گاهی با اقتدار، نفوذ، زور، اجبار یا ترغیب مترادف دانسته میشود (۸۱) همچنین قدرت ممکن است با هویج یا چماق، یا ترغیب و اقناع اخلاقی، پشتیبانی شود و به صورت مثبت یا منفی اعمال گردد (۸۲) قدرت یک فرد یا یک دولت وقتی عینیت می یابد که بر روابط مستقر با دیگر افراد یا دولت ها تاثیر گذارد (۴۱) و در نهایت باید گفت: قدرت احتیاج به دو طرف دارد؛ یکی آنکه حکم میکند و دیگری آنکه فرمان میبرد (۶۹) و در نهایت باید گفت که قدرت اصلی از آن خداوند است؛ در آیات زیادی به این امر اشاره شده است، به عنوان مثال (نجم/ ۵) (بقره/ ۱۶۵) (فصلت ۱۵) (انفال/ ۵۲) از منظر قرآن نیز قدرت از عوامل بوجود آمدن تمدن ها است و در سایه قدرت است که تمدن ها سالیان متمادی میتوانند پابرجا باشند. در آیاتی نیز به این امر اشاره شده، از جمله عطا ی قدرت به ذوالقرنین **إِنَّا مَكْنُئًا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا** (کهف ۸۴) ما در روی زمین به او قدرت دادیم و به او حکومت بخشیدیم و او به اصلاح زمین پرداخت. از علی (ع) روایت شده است که: خداوند ابر را برای او رام کرد و بر آن سوار شد و همه اسباب را در اختیارش قرار داد و همه جا را برایش روشن کرد و شب و روز برایش یکسان شد. معنای قدرت پیدا کردن او در روی زمین همین است. (۳۹) همچنین در آیه ای دیگر اشاره به قدرتی دارد که خداوند به حضرت سلیمان عطا نموده است؛ **وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ** (نمل ۱۷) در حقیقت خداوند قدرت خود را در ظاهر ساختن این حکومت عظیم و قوایی که مسخر آن بود نشان داد، و می دانیم از نظر يك فرد موحد، این امور در برابر قدرت خداوند سهل و ساده و آسان است. در آیات مورد بحث نخست می گوید: لشکریان سلیمان از جن و انس و پرندگان نزد او جمع شدند جمعیت لشکریانش به قدری زیاد بود که برای نظم سپاه "دستور داده می شد که صفوف اول را متوقف کنند و صفوف آخر را حرکت دهند تا همه به هم برسند (۶۵) بقاء یک تمدن در گرو میزان مراقبت و اهتمام آن ملت نسبت به اعتقادات و باورهای اصیل آن جامعه می باشد و در این راستا امر به معروف و نهی از منکر، در همه شئون اجتماعی، چه برای دولت و چه برای ملت از اصلیت ترین راهکارها میباشد. (۵۴) و امر به معروف و نهی از منکر در گرو وجود قدرت است لذا در روایات متعددی در ذیل آیه وارد شده میخوانیم: خداوند طبق این آیه حق امر و نهی به پیامبر خود داده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز چنین حقی را به علی علیه السلام و ائمه اهل بیت علیهم السلام داده است، بنا براین، مردم موظفند که از امر و نهی آنها سرباز

نزنند، زیرا امر و نهی آنها همواره از طرف خدا است نه از خودشان. (۱۲) در مورد امر به معروف و نهی از منکر باید گفت: امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائضاً آنها برپا امام باقر (ع) می فرماید: میشوند المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعداء و یتستقیم الامر (۱۹) **أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً** (روم ۹) آیا نمی گردند و در روی زمین به تحقیق نمی پردازند تا بنگرند عاقبت کار ملتی که قبلاً بودند، چگونه شد- و بر اثر کفر بر خداوند هستی گرفتار عذاب شدند آنان در قوت و قدرت قوی تر و سخت تر از ایشان بودند اما بر اثر انکار خداوند و تکذیب رسل با عذابها نابود گردیدند (۳۹)

۴-۴ علم

علم و دانش، یادگیری و آموزش؛ همه این ها جز جدایی ناپذیر یک تمدن میباشند. در طول چندین هزار سال اخیر که تمدن های جدیدی بوجود آمده و رو به زوال رفته اند، من جمله از عواملی که باعث میشد به آن ها را قدرت مند خواند، علم بود. اسلام طی پنج قرن، از سال ۸۱ تا ۵۹۷ ه. ق (۷۰۰ تا ۱۲۰۰ م) از لحاظ نیرو، نظم، بسط قلمرو حکومت، تصفیه اخلاق و رفتار، سطح زندگانی، وضع قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی، ادبیات، دانشوری، علم، طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود (۲۶) همچنین در این مطلب جای تردید نیست که مسلمین، دوران عظمت و افتخار اعجاب آوری را پشت سر گذاشته، نه از آن جهت که در برهه ای از زمان حکمران جهان بوده اند... زیرا جهان حکم رانان و فاتحان بسیاری به خود دیده است که چند صباحی به زور خود را بر دیگران تحمیل کرده اند و طولی نکشیده که مانند کف روی آب، محو و نابود شده اند بلکه از آن جهت که نهضت و تحولی در پهنه گیتی به وجود آوردند و تمدنی عظیم و با شکوه بنا کردند که چندین قرن ادامه یافت و مشعل دار بشر بود، اکنون نیز یکی از حلقات درخشانی تمدن بشر به شمار می رود و تاریخ تمدن به داشتن آن می بالد. مسلمین چندین قرن در علوم و صنایع و فلسفه و هنر و اخلاق و نظامات عالی اجتماعی بر همه جهانیان تفوق داشتند و دیگران از خرمن فیض آن ها توشه می گرفتند. تمدن عظیم و حیرت انگیز جدید اروپایی که چشم ها را خیره و عقل ها را حیران کرده است و امروز بر سراسر جهان سیطره دارد، به اقرار و اعتراف محققین بی غرض غربی، بیش از هر چیز دیگر از تمدن با شکوه اسلامی مایه گرفته (۶۰) موریس بوکای فرانسوی نیز آورده است: اسلام همواره علم و دین را همزاد تلقی کرده و از همان آغاز، طلب علم جزو دستوره های دینی اش بوده است. به کار گرفتن همین دستور موجب جهش معجزه آسای علمی دوره مهم تمدن اسلامی شد. همان تمدنی که غرب نیز قبل از رنسانس (نوزایش) از آن برخوردار گردید. (۱۵) زیگرید هونکه می نویسد: تمدن اسلامی که به وسیله مسلمانان آغاز شد، نه تنها میراث یونان را از انهدام و فراموشی نجات داد و آن را اسلوب و نظم بخشید و به اروپا داد، بلکه آنان پایه گذار شیمی آزمایشی، فیزیک، جبر، علم حساب به مفهوم امروزی و مثلثات فضایی، زمین شناسی و جامعه شناسی هستند. تمدن اسلامی تعداد زیادی کشفیات گرانبها و اختراعاتی در همه بخش های علوم تجربی که اکثر آنها بعدها نویسندگان اروپایی دزدانه به حساب خودشان گذاشتند، به مغرب زمین هدیه کرده است. ولی شاید گرانبهاترین آنها را اسلوب تحقیقات علم طبیعی باشد که این پیش قدمی مسلمانان بود که جای پا را برای اروپا باز کرد و منجر به شناخت قوانین طبیعت و تفوق و کنترل آن گردیدند (۳۶) در مورد پیامبر (ص) به عنوان اولین

شخص در دین اسلام باید گفت: هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعلیم و تجدد بود (۵۰) که این معنا در قرآن کریم نیز جلوه گر است؛ زیرا خداوند، هدف از فرستادن پیامبران را تعلیم و تزکیه ی امت ها بر می شمارد؛ **هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه ۲)** مراد از کتاب قرآن و از حکمت شرایع و احکام است. و بعضی گفته اند که حکمت اعم از کتاب و سنت و هر چیز است که خداوند تعالی آن را اراده نموده، پس حکمت آن علم و دانش چنانست که عمل میشود بر او در آنچه اختیار و یا اجتناب شود از امور دین و دنیا. (۳۹) هدف اسلام از دانش اندوزی بارها در قرآن و روایات، آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: **اطلبوا العلم ولو بالصبین**. (۵۲) العلم ضاله المؤمن فخذوه ولو فی ابدي المشرکین دانش، گم شده ی مؤمن است. پس آن را بجوید هر چند نزد مشرکان باشد (۵) و همچنین به این مهم در آیات مختلف نیز اشاره شده است: **وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (طه ۱۱۴)** از خداوند مسألت کن که بر علم تو بیفزاید. عایشه روایت کرده است که پیامبر خدا فرمود: هر گاه روزی بیاید که در آن روز علم من افزوده نشود و بدرگاه خدا تقرب پیدا نکنم، طلوع خورشید آن روز بر من مبارک نیست (۳۹) **وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا (یوسف ۲۲)**: همین که موسی رشد کرد، و عقلش کامل شد، او را به حکمت و دانش برتری بخشیدیم. برخی گفته اند: یعنی هنگامی که به سن ۴۰ ساله رسید. بنا بر این موسی پیش از آنکه به نبوت برگزیده شود دارای حکمت و دانش بود. برخی گویند: منظور از حکمت و دانشی که به او داده شده، همان مقام نبوت است (۳۹) متأسفانه این را نیز باید خاطر نشان کرد که؛ مسلمانان با وجود تأکید و اهمیت فراوان اسلام به کسب علم و دانش و خرد ورزی و تعقل و کار و تلاش از این آموزه های دین فاصله گرفتند و دیگر به این امور به عنوان یک ارزش نگریسته نمی شد. این انحراف به گونه ای بودن که تعقل، جای خود را به تحجر و کنار نهادن تعقل داد و جریان های اشعری گری و اخباری گری ظهور پیدا کردند پیروزی مکتب اشعری برای جهان اسلام گران تمام شد. (۵۸) و در نهایت باید گفت: **قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (زمر ۹)** بگو آیا مساوی است آنان که می دانند و آنان که نمی دانند. یعنی یکسان نیستند آنان که می دانند آن چه را از وعده که خدا داده و با آنان که این را نمی دانند. (۳۹) **إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ (همان)** همانا پند گیرند صاحبان خرد. «امام صادق» (ع) فرمود: آنان که می دانند ما هستیم و آنان که نمیدانند دشمنان ما هستند و صاحبان خرد شیعیان ما هستند (همان)

۴-۵ توسعه کشاورزی

از عوامل مهم پیشرفت تمدن ها، پیشرفت در زمینه کشاورزی نیز می باشد. در تمدن های گذشته هرچه سرزمینی حاصل خیز و دارای زمین های کشاورزی فراوانی بود، آن ملت و دولت متمدن محسوب میشدند. که در قرآن سرزمین مصر مثال زده میشود **كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (دخان ۲۵)** باغها، و چشمه ها، دو سرمایه از جالبترین و ارزنده ترین اموال آنها بود، چرا که مصر به ببرکت نیل سرزمینی حاصلخیز و پر باغ بود (۶۶) **و زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ (همان ۲۶)** و زراعتها، و قصرهای جالب و زیبا و پر ارزش و این دو سرمایه مهم دیگر آنها بود، زراعتهای عظیمی که در بستر نیل در سرتاسر مصر از انواع و اقسام مواد خوراکی و غیر خوراکی و محصولاتی که هم خود از آن استفاده می کردند و هم به خارج صادر می کردند، و اقتصاد آنها بر محور آن می چرخید. (۶۵) حتی در مقابل قحطی هایی که رخ میداد، این قدرت کشاورزی بود که تعیین میکرد که آیا سرزمینی که دچار قحطی شده متزلزل میشود؟

ویا به قدری در زمینه کشاورزی قدرت مند است که چندان تاثیری بر آن نخواهد داشت. در سوره یوسف به این مهم اشاره میشود؛

سوره یوسف ۴۷۴۶-۴۸ «لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ» یوسف گفت: اما آن هفت گاو لاغر و آن هفت خوشه خشک سال‌های خشک و سخت است که در پیش دارید، و اما هفت گاو چاق و هفت خوشه سبز سال‌های پر برکت و پر نعمتی است که در آن کشت میکنید. «نَزَرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا» یعنی هفت سال متوالی روی عادتی که دارید کشت میکنید، و برخی «دَاب» را بمعنای جدیت و کوشش معنی کرده‌اند، یعنی هفت سال با جدیت و کوشش زراعت کنید. (۳۹) «فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ» و هر چه را در این هفت سال درو کردید در همان خوشه خودش بگذارید و دانه را از پوست جدا نکنید «إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» مگر اندکی که بمصرف خوراکتان میرسانید. «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ» و پس از آن هفت سال سخت پیش می‌آید که مردم دچار قحطی میشوند. «يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ» که در آن چند سال هر چه را انبار کرده و فراهم نموده‌اید همه را می‌خورید. زید بن اسلم گفته: یوسف خوراک دو نفر را پیش یک نفر می‌گذارد و آن یک نفر نصف آن را می‌خورد تا روزی مشاهده کردند که تمام آن را آن یک نفر خورد، به یوسف که گفتند وی گفت: امروز اولین روز سال‌های قحطی است. «إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُخْصِنُونَ» بجز کمی از آنچه ذخیره کرده‌اید. (۳۹) همچنین این نکته نیز باید اشاره کرد که مسلمانان به پیشرفت‌هایی رسیده بودند و زمین‌های کشاورزی خود را با پیشرفته‌ترین وسایل آبیاری میکردند (۴۳)

۴-۶ صنعت

از دیگر نشانه‌های متمدن بودن یک سرزمین، وجود صنعت است. در مورد صنعت و فناوری توضیحات زیادی داده شده است (ر.ک: ۳۱) (ر.ک ۲۰) ابن خلدون صنعت را استعداد و مهارتی می‌داند که ترکیب فکر و عمل است و جزو کارهای بدنی و محسوس محسوب میشود. مهارت و استعداد انجام کار، ملکه‌ای است که سبب تکرار یک عمل و رسوخ آن در ذهن و روان آدمی حاصل میشود. صنعتگر برای نیل به این ملکه نیاز به آموزش مناسب و تکرار در عمل دارد. (۳) همچنین اخوان تعریف عمومی اما ژرفی از صنعت ارائه میکند و صنعت را به دو دسته کلی تقسیم میکند؛ صنایع علمیه و صنایع عملیه. صنایع علمیه نهادن صورت‌های معلوم نزد نفس فرد عالم است. صنعت عملیه عبارت از خارج کردن صورتی است که در فکر و ضمیر صنعتگر عالم بوده و سپس نهادن آن هیولی است (۱۰) در قرآن آمده که در زمان ذوالقرنین صنعت استخراج و ذوب آهن وجود داشته: «أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ (کهف ۹۶) سپس چنین دستور داد: قطعات بزرگ آهن برای من بیاورید (۶۶) و در سوره قصص در مورد صنعت ساخت آجر اشاره شده است: «فَأَوْقَدْ لِي يَاهَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَأَجْعَلْ لِي صَرْخًا (قصص ۳۸) ای هامان، آتشی برای من بر خاک بیفروز و آجر تهیه کن و برای من قصری بلند بساز. گویند: اول کسی که آجر ساخت، فرعون بود. (۳۹) و همچنین عطا کردن صنعت مس و وجود داشتن آن در نزد حضرت سلیمان و «أَسْلَمْنَا لَهُ عَيْنَ الْقَظْرِ (سبا ۱۲) یعنی و ما برای او چشمه و معدن مس را آب نموده و گذاشتیم و ظاهر کردیم برای او گفتند برای او چشمه مس جاری شد و فوران کرد در چند شبانه روز و خدا آن را برای او مثل آب قرار داد و مردم در مس کار میکنند بآنچه را که بسلیمان داده شده بود (۳۹) در مورد وجود صنعت نزد مسلمین نیز اشارات فراوانی شده است؛ ساخت و نوآوری در سلاح‌های رزمی مانند: شمشیر، سپر، نیزه، کمان، کمان زنبورکی، منجنیق کششی و

تبادل، استحکامات دفاعی و برج و باروهای استوار و نفوذپذیر، ایجاد ارتباطات نظامی، به کارگیری اسلحه های آتش زا، باروت و توپ و نارنجک ها، موشک ها، فتیله ها، اژدرها، و دگرگونی آرایش های نظامی و جنگی از کوشش های مسلمانان در صنایع نظامی است. (۲۱) در نهایت باید گفت: صنعت نباید به گونه ای باشد که آدمی مقهور آن شود البته این مهم هرگز اتفاق نیافتاده به گونه ای که شهید مطهری میفرماید: هیچ گاه علم، صنعت، تمدن و قانون نتوانسته است جای دین را پر کند (۶۲) و هیچ گاه انسان ذات خود را که به عنوان اشرف مخلوقات پا در این دنیا نهاده از دست نخواهد داد؛ چنانچه همه ابداعات مکانیکی پنج هزار سال گذشته ناگهان از بین برود، خسارات اسف باری به زندگی بشر وارد می آید، اما بشر همچنان انسان باقی می ماند (۶۷)

۴-۷ عمران

۴-۷-۱ ساختمان سازی (ساخت مسکن)

وجود مسکن برای قوم حضرت صالح (قوم ثمود) وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَجْتَئِنُ الْجِبَالِ بُيُوتًا (اعراف ۷۴): و برای شما خانه ها و مسکنی در آن قرار داد تا در آنها مأوی گزینید: در بیابانهای آن خانه ها و قصرها و ویلاهای تابستانی می سازید و در کوه ها منزل درست می کنید. ابن عباس گوید: برای تابستان در بیابان خانه درست می کردند و برای زمستان از کوه خانه می تراشیدند تا جای آنها محکمتر و گرمتر باشد. گویند: نظر به اینکه عمر آنها طولانی بود، ناچار بودند، از کوه خانه در آورند که دوام بیشتری داشته باشد. (۳۹) همچنین وَ ثُمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (فجر ۹) یعنی و چه کرد بقوم ثمودی که صخره ها و کوه ها را سوراخ کرده در وادی و بیابانی که فرود می آمدند مقصود (وادی القری) است. ابن عباس گوید کوه ها را سوراخ کرده. چنانچه خداوند تعالی فرمود، و می تراشیدند از کوه ها منازلی برای سکونت خود. (۳۹) همچنین در قرآن به ساخت مسکن توسط حیوانات نیز اشاره شده است. مثل ساخت خانه توسط زنبور؛ وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ (نحل ۶۸) مقصود از آیه شریفه این است که خداوند متعال، به زنبور عسل الهام کرد که در کوه ها و میان درختان برای خود خانه بسازد. چنان که می فرماید: أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ: از کوه ها و درختان و سر سایه هایی که از شاخ و برگ مو می سازند، برای خود خانه هایی بسازند و در آن، عسل بوجود آورند کلمه «يعرشون» دارای دو لغت است: بضم راء و کسر آن و بهر دو لغت هم قرائت شده است. برخی گویند: این کلمه یعنی: بنا می کنند و عرش بمعنای سقف خانه است. (۳۹)

۴-۷-۲ برج سازی

از دیگر نشانه های تمدن برج سازی است. فرمان روایان برای نشان دادن قدرت خود و برای به رخ کشیدن توانایی های خود بخ دیگر ملت ها و سرزمین ها، اقدام به ساخت برج ها و قصر های با شکوه میکردند تا بدین ترتیب قدرت و توانایی خود را به رخ بکشند. برای نمونه فرعون دستور به ساخت برج میدهد تا قدرت خود را به حضرت موسی بنمایاند؛ فَأَوْقَدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَأَجْعَلْ لِي صَرْحًا (قصص ۳۸) سپس قصر و برجی بسیار مرتفع برای من بساز، تا بر بالای آن روم (۶۵) در سوره غافر نیز به این

امر اشاره شده است: **وَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَهْمُنُ ابْنِي لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ** (غافر ۳۶) و فرعون گفت ای هامان برای من بناء مرتفعی بساز شاید به وسائلی برسم (۱) بناهای اسلامی از شاهکارهای معماری در جهان به شمار می آید و مهم ترین نمود معماری اسلامی در سبک معماری، نقوش، تصاویر و تزئینات و نقش و نگار مساجد به چشم می خورد (۵۱)

۴-۷-۳ سد سازی

سدی که در مقابل هجوم قوم یاجوج و ماجوج ساخته شد: **ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا** (کهف ۹۶) اکنون قطعات آهن را بمن بدهید تا دست بکار شویم. سرانجام میان دو کوه را بوسیله قطعات آهن برآورد و آن را هموار گردانید. ازهری گوید: علت اینکه بدو طرف کوه، صدف گفته می شود، این است که با هم محاذی هستند و در يك خط مستقیم بیکدیگر تلاقی می کنند. آن گاه به آنها دستور داد که بوسیله دم آهنگران در آتشی که بر قطعات آهن افروخته شده بود، بدمند. بر اثر دمیدن در آتش، قطعات آهن همچون آتش سرخ و گداخته شدند و بهم پیوستند. آن گاه دستور داد که مس یا آهن مذاب بر سد بریزند تا تمام روزنه های آن بسته شود و سد پولادین، همچون دیواری استوار که آجر آن آهن و گل آن مس ذوب شده است، راه را بر متجاوزان مسدود گرداند. از آن پس قوم یاجوج و ماجوج نتوانستند از این سد بالا روند یا اینکه آن را سوراخ کنند، زیرا محکم و مرتفع بود. برخی گفته اند: این سد در پشت دریای روم، در میان دو کوه واقع شده است. این دو کوه به اقیانوس منتهی می شوند. برخی گفته اند: در پشت دربند و خزران از ناحیه ارمنیه و آذربایجان قرار دارد. (۳۹) البته در مورد ساخت این سد توسط ذوالقرنین در تفاسیری اشاره شده است؛ ذوالقرنین برای جلوگیری از نفوذ یاجوج و ماجوج که به کمک نیروی انسانی انجام گرفته است و تفصیل آن در تفاسیر آمده است (۳۹؛ ۴۲؛ ۴) و در نهایت باید گفت: در این صنعت باید از تکنولوژی ساخت بنا یاد کنیم که مسلمانان در آن به مهارت کاملی دست یافتند. بناهای تاریخی مانند: قبه الصخره، مسجدالاقصی، جامع اموی دمشق، قصر الحمراء غرناطه، و مسجد ابن طولون مصر، از این نمونه هاست. ساختجاده و پل با امکانات لازم برای مسافرت، پیشرفت دیگر مسلمانان بود. جاده های اصلی مانند: اسکندریه، فاس، و سمرقند، راه ها را با سنگ فرش می کردند و پل هایی با قوس های نیم دایره و شکسته ی تکراره می ساختند که نمونه ی آن پل شهرستانه در اصفهان است. آبیاری زمین های کشاورزی با پیشرفته ترین وسایل، ساخت سدهای بزرگ مانند: سد عضدالدوله بر روی رود گُر و مساحی و به دست آوردن ابعاد اجسام از دیگر تلاش های مسلمانان در مهندسی معماری به شمار میرود (۴۳)

۴-۸ هنر

هنر و فرهنگ جزء جدایی ناپذیره تمدن هستند. اگر بخواهیم هنر و فرهنگ را به گونه ای واضح تر تبیین کنیم میبایست در مورد مورد این دو پدیده بنیادی بگوییم که: هنر و فرهنگ به قدری توانایی و وسعت دارند که چنانچه در گذر تاریخ نیز مشاهده نموده ایم در مواردی حتی پس از انحطاط یک تمدن یا کشوری پدیده فرهنگ و هنر از بین نمیرود و این در مواردی است که دولت ها و حکومت ها در قلمرو تمدنی خود در مورد این دو پدیده بسیار قوی فعالیت های بسازی کرده اند اگر بخواهیم در باره این سخنان مثالی بیاوریم؛ تمدن بین النهرین در عهد باستان نمونه ای از تمدن های قاهره ای است که حتی پس از، از بین رفتن تمدن نیز تا

سالیانی متمادی کشور ها و تمدن های بعدی که بوجود آمده بودند تحت تاثیر هنر و فرهنگ تمدن بین النهرین بودند همچنین مثالی دیگری نیز اگر بخواهیم بیاوریم میبایست به تمدن ملل اسلامی اشاره کرد که دارای فرهنگ و هنری گسترده و بی بدیلی بودند که حتی پس از تزلزل تمدن اسلامی نیز آثار فرهنگ و هنر اسلامی همچنان پا برجا بوده و هست... مونت گامری وات میگوید: ما اروپاییها مدیون بودن فرهنگمان را به اسلام نادیده می گیریم، ما اغلب اوقات گستره و اهمیت تأثیر اسلام را بر میراث فرهنگی مان دست کم می گیریم و بعضی اوقات حتی از آن به کلی چشم پوشی می کنیم (۷۱) از آنجایی که زیبایی طلبی در ذات آدمی نهفته است، به همین علت وی زیبایی را تحسین میکند و به سمت زیبایی ها میرود، سرزمینی متمدن است که در آن هنرمندان بزرگی وجود داشته باشد. به عنوان مثال حضرت سلیمان برای نشان دادن قدرت حکومت خود به ملکه سبا دستور به ساختن بنایی بلورین داد. **قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ (نمل ۴۴)** صرح جای گسترده و سر باز است. میگویند: هنگامی که سلیمان ملکه سبا را دید، به افراد خود امر کرد که صرح بسازند. صرح سطحی است از شیشه که در زیر آن آب است و در داخل آب ماهی و قورباغه و جانوران آبی ریختند، آن گاه تختی در وسط آن گذاشتند و سلیمان بر روی آن نشست، برخی گفته اند: صرح قصر شیشه ای است و از درخشندگی همچون آب است. ابو عبیده میگوید: هر بنای شیشه ای یا سنگی محکمی را صرح می نامند. (۳۹) و یا در آیه ۱۳ سوره سبا به ساخت صنایع دستی و بناهای متعدد اشاره دارد **يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرِبٍ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَةٍ (سبا ۱۳)** سلیمان هر چه می خواست از معبدها، و تماثیلا، و ظرفهای بزرگ غذا که همچون حوض های بزرگ بود، و دیگهای عظیم ثابت برای او تهیه می کردند که بخشی از آنها مربوط به مسائل معنوی و عبادی بود، و بخشی با نیازهای جسمانی انسانها، و جمعیت عظیم لشکریان و کارگزارانش تناسب داشت. (۶۵) همچنین وقتی فردریک دوم در جنگ های صلیبی وارد بیت المقدس شد، شیفته معماری اسلامی گردید (۶۶) علوم هنری (۴۸) (۱۷) همیشه در تمدن ها مطرح بوده، به عنوان مثال خط و هنر خوشنویسی یکی از هنر های دیرین اسلامی است؛ انواع خط های اسلامی بدین قرار است: کوفی، ثلث، نسخ، مغربی و اندلسی، توقیع، دیوانی، طغراء (طره)، تعلیق، رقعہ. (۷۳) علی بن هلال معروف به ابن بؤاب (م ۴۲۳) و یاقوت مستعصمی نیز از خوش نویسانی بودند که به تثبیت گونه های خط و تنزیه و تهذیب آن پرداختند. (هم چنین باید گفت میر علی تبریزی معروف به قروه یا قبله الکتاب خط نستعلیق را آفریده است. (۲۲) و در نهایت انتشار قرآن به زبان اصلی و فرمانروایی مطلق خط عربی، پیوندی به وجود آورد که تمام دنیای اسلام را به هم مربوط ساخت و عامل مهمی در خلق هر نوع اثر هنری گردید، تباین در هنر دینی و غیر دینی آنطور که دنیای غرب می شناسد در اینجا به کلی از بین رفته است. البته عبادتگاهها به علت احتیاجات عملی، شکل معماری خاصی پیدا کرده اند ولی تزئین آنها درست مطابق قواعدی بوده که در مورد ابنیه غیر دینی هم رعایت شده است (۴۹) و در پایان باید گفت: تمدن، دولت و یا حکومتی قدرت مند است که از مسئله هنر و تمدن در غفلت نباشد و به این مهم اهتمکام ویژه ای بورزد و این ویژگی های شگرفی که در درون هنر و فرهنگ قرار گرفته باعث میشود این مهم جز مواردی باشد که نشان دهنده توانایی یک تمدن قدرت مند است.

۵ - نتیجه گیری

تمدن به عنوان یکی از مهمترین شاخص های بشری اهمیت ویژه ای در نزد افراد مختلف دارد. این پژوهش که با سوال چه نشانه هایی در قرآن در رابطه با تمدن آمده است شروع شد، در نهایت با بررسی هایی که پژوهشگر انجام داد قادر به یافتن مواردی شد که در نهایت در متن اصلی این مقاله به بررسی های آن نشانه ها منظر قرآن پرداخته شد. ارتباطات به عنوان مهمترین اصل یک تمدن است و در سایه ارتباطات است که یک تمدن میتواند گسترش یابد و پیشرفت کند و همچنین آوازه تمدنی اش به گوش دیگر افراد نیز برسد. علم یکی دیگر از نشانه های یک تمدن است، در مورد علم و اهمیت آن باید گفت: موارد دیگر از نشانه های تمدن اهمیت خاص خود را دارند اما این مورد و اهمیتی که دارند در جهان اموزی نیز کاملاً مشخص است زیرا دنیای امروز دنیای جنگ ها و نبرد ها نیست. با ارائه مطلوب علم به دیگران کاملاً میتوان پیشتاز در جهان شد. در قرآن نیز به اهمیت مسئله علم آموزی و یاد دهی آن به دیگران تأکیدات فراوانی شده و مسلمانان نیز در دوره هایی پیشتاز این عرصه بودند ولی مرور زمان تمدن اسلامی رو به زوال رفته و از آن پویایی اولیه فاصله گرفته است. و مسئله حکومت یکی دیگر از نشانه های تمدن است که یک تمدن قدرتمند حتماً حکومتی قدرتمند دارد که سایه رهبری قدرتمند توانسته این تمدن را بوجود آورد و قدرت که یکی دیگر از ویژگی های تمدن است رابطه تنگاتنگی با حکومت دارد زیرا با قدرت است که یک حکومت میتواند معنا پیدا کند و قدرت نیز یکی از سرچشمه های حکومت است در نهایت باید گفت نویسنده توانسته با مراجعه به منابع مختلف و با نگاه کلی که به موارد مختلف داشت یک نتیجه مطلوب ارائه دهد، البته از نقاط ضعف این مقاله میتوان به توضیح نسبتاً کم در مورد یکی از نشانه های مهم تمدن از منظر قرآن که آن کشاورزی است، اشاره کرد که پژوهشگران دیگر میتوانند در این زمینه توضیحات وسیع تری ارائه دهند.

۶- فهرست منابع

قرآن کریم

- [۱] آدینه وند لرستانی، محمدرضا، ۱۳۷۷، کلمة الله العليا، تهران، اسوه
- [۲] آقا گل زاده، فردوس، ۱۳۸۵، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۹
- [۳] ابن خلدون، عبد الرحمان، ۱۳۶۹، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۷۱، ص ۷۹۱-۷۹۲
- [۴] ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰، التحرير و التنوير، بيروت، مؤسسه التاريخ العربی، ص ۱۳۴
- [۵] ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، جامع بيان العلم و فضله، مؤسسه الثقافه، ص ۱۲۲
- [۶] ابن فارس، احمد (بی تا)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ص ۳۰۶
- [۷] ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۴۴ ق)، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۶۹
- [۸] ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۳۶۹، البدایة و النهایة، بیروت، دار الفکر، ج ۲، ص ۱-۱۸۰
- [۹] ابو زهره، محمد، (بی تا) خاتم پیامبران، حسین صابری، مشهد، آستان قدس رضوی، ج ۲، ص ۲۹
- [۱۰] اخوان الصفا و خالان الوفا، ۱۳۹۶، رسائل اخوان اصفا و خالان الوفا، تهران، مؤسسه الدراسات الاسلامیه، ص ۲۲۷
- [۱۱] سید روح الله موسوی خمینی، ۱۳۷۳، آیین انقلاب اسلامی گزیده اندیشه و آرای امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۱۳
- [۱۲] بحرانی، هاشم، ۱۴۱۶، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ص ۱۳۳.
- [۱۳] بشیر، حسن، ۱۳۸۴، تحلیل گفتمان دریچه ای برای کشف نا گفته ها، تهران، انتشارات امام صادق، ص ۸
- [۱۴] بشیری، حسین، ۱۳۸۲، آموزش دانش سیاسی، تهران، مؤسسه نگاه معاصر، ص ۳۰، ص ۳۳
- [۱۵] بوکای، موریس، ۱۳۵۷، عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، تهران: حسینیه ارشاد، ص ۱۴
- [۱۶] توین بی، آرنولد، ۱۳۵۲، تمدن در بوته آزمایش، ترجمه ابوطالب صارمی، ج ۱، تهران، امیر کبیر، ص ۱۶
- [۱۷] تالبوت رایس، دیوید، ۱۳۷۵، هنر اسلامی، برگردان: ماه ملک بهار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۱۸] جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۶، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر معارف، ص ۲۹-۳۰
- [۱۹] حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهما السلام، ص ۱۸
- [۲۰] حسن، باشا، ۱۴۲۰، موسوعه العماره و الآثار و الفنون الاسلامیه، قاهره، مکتبه دارالعریه
- [۲۱] حسن، احمدیوسف، ۱۳۷۷، صنایع مسلمین، مترجم اردشیر اشراقی، تهران، نشر قبله، ص ۱۲۳-۱۵۷
- [۲۲] حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۸۴، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، تهران، کومش، ص ۳۵۳-۳۴۶

- [۲۳] دال، رابرت، ۱۳۶۴، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، نشر مترجم، ص ۲۰
- [۲۴] داوری، رضا، ۱۳۸۰، تمدن و تفکر غربی: مجموعه مقالات، تهران، ساقی، چاپ دوم، ص ۱۱۰
- [۲۵] دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۵)، مشرق زمین؛ گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ص ۳
- [۲۶] _____، ۱۳۷۳، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران، (عصر ایمان، بخش اول)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳، ۴۳۲
- [۲۷] ذبیح، صفا، ۱۳۳۶، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۱۴۰
- [۲۸] راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵)، مفردات الفاظ قرآن، مترجم غلامرضا خسروی، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ص ۲
- [۲۹] رشید رضا، ۱۹۹۰، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، مصر، هیئة المصرية العامة للكتاب، ج ۱۱، ص ۲۶۰
- [۳۰] زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۲، کارنامه اسلام، تهران، امیر کبیر، چاپ سوم، ص ۱۳
- [۳۱] زکی، محمد حسین، ۱۳۶۶ صنایع ایران بعد از اسلام، زکی محمد حسن، برگردان: محمد علی خلیلی، انتشارات اقبال.
- [۳۲] سید قطب (۱۳۹۰) نشانه های راه (ترجمه معالم فی الطريق) ترجمه محمود محمودی، بی جا: نشر احسان
- [۳۳] شبر، عبد الله (۱۴۱۲ ق)، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار البلاغة، چاپ اول، ص ۱۰۲
- [۳۴] فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۸ ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۷۹
- [۳۵] شریعتی، علی، ۱۳۵۹، تاریخ تمدن، تهران: دفتر تدوین و تنظیم آثار دکتر علی شریعتی، ص ۵-۶
- [۳۶] صرفی، محمدتقی، ۱۳۷۴، تمدن اسلامی از زبان بیگانگان، قم، برگزیده، ص ۱۰
- [۳۷] طالقانی، محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۵، ص ۳۹۷
- [۳۸] طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم
- [۳۹] طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه رضا ستوده، تهران: فراهانی، چاپ اول
- [۴۰] عالم، عبدالرحمن، ۱۳۹۲، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، تهران، وزارت امور خارجه، ص ۲۷۳
- [۴۱] عبدالرحمن عالم، ۱۳۷۳، بنیاد های علم سیاست، تهران، نی، ص ۲۶۹، ۱۴۶، ۹۱

- [۴۲] فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ج ۲۱، ص ۴۹۹؛ ۴
- [۴۳] فرشاد، مهدی، ۱۳۹۰، تاریخ مهندسی در ایران، تهران، انتشارات میر ماه، ص ۳۶۶-۳۷۲؛ ص ۳۸۹-۴۰۰
- [۴۴] قانع غرابادی، احمد علی، ۱۳۷۱، علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۵-۳۰
- [۴۵] قرشی، علی اکبر (۱۳۸۶)، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پانزدهم، ج ۷، ص ۲۴۴
- [۴۶] کاشفی، محمد رضا، ۱۳۸۷، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ص ۲۰۹
- [۴۷] کرمی فقهی، محمد تقی، ۱۳۸۸، جستاری نظری در باب تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ص ۱۱
- [۴۸] کونل، ارنست، ۱۳۷۶، هنر اسلامی، برگردان: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی.
- [۴۹] _____، ۱۳۶۸، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، توس، ص ۶
- [۵۰] گرونهام، فن گوستاو، ۱۳۷۳، اسلام در قرون وسطا، برگردان: غلام رضا سمیعی، تهران، نشر البرز، ص ۷۷
- [۵۱] _____، ۱۳۴۲، وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، ترجمه عباس آریان پور، تبریز، معرفت تبریز، ص ۱۷۰
- [۵۲] مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۱۶۰
- [۵۳] مجموعه مقالات سمینار دانشگاه جامعه و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، تهران، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ص ۱۴
- [۵۴] مدرسی، محمد تقی، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، مترجم: احمد آرام، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ج ۱، ص ۵۸۵
- [۵۵] مصطفوی، حسن (بی تا)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت- قاهره- لندن: دار الکتب العلمیه- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ سوم: ۱۴ ج.
- [۵۶] مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، چاپ اول، ج ۵، ص ۱۱۷
- [۵۷] مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: صدرا، چاپ اول.
- [۵۸] _____، ۱۳۷۴، آشنایی با علوم اسلامی (کلام، عرفان، حکمت عملی) تهران: صدرا، ص ۱۳
- [۵۹] _____، ۱۳۸۳، سیری در سیره نبوی، تهران: صدرا، چاپ بیست و هفتم، ص ۲۱
- [۶۰] _____، ۱۳۷۴، انسان و سرنوشت، تهران: صدرا، ص ۱۰
- [۶۱] _____، ۱۳۸۲، ده گفتار، تهران، صدرا، چاپ ۳۸، ص ۱۴۴-۱۴۶
- [۶۲] _____ (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، تهران - قم: صدرا؛ چاپ چهارم، ۲۸ ج.

- [۶۳] معروف حسینی، هاشم، (۱۳۷۶) سیره المصطفی: نگرشی نوین بر زندگانی رسول اکرم (ص)، حمید ترقی جا - معین زاده، عباس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- [۶۴] مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ج ۲، ص ۱۸۹
- [۶۵] مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم
- [۶۶] مجتهدی، کریم، ۱۳۹۷، فلسفه در قرون وسطی (مجموعه مقالات) تهران، امیر کبیر، چاپ ششم، ص ۲۰۳
- [۶۷] میچام، کارل، ۱۳۸۸، فلسفه تکنولوژی چیست؟، ترجمه مصطفی تقوی، انتشارات روزنامه ایران، ص ۳۲-۳۳
- [۶۸] نصیری رضی، محمد، ۱۳۸۷، تاریخ تحلیلی اسلام، قم، نشر معارف، ص ۷۰
- [۶۹] نقیب زاده، احمد، ۱۳۹۴، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، سمت، ص ۱۳۸
- [۷۰] نیکسون، ریچارد، ۱۳۷۱، فرصت را دریابیم، برگردان: حسین وفسی نژاد، تهران، طرح نو، ص ۲۴۲
- [۷۱] وات، مونتگمری، ۱۳۶۱، تأثیر اسلام در اروپا، ترجمه یقوب آژند، تهران: مولی، ص ۱۰-۱۴۸
- [۷۲] ون دایک، تتون ای، ۱۳۶۵، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۵
- [۷۳] وهیب جبوری، یحیی، ۱۹۹۴، الخط الکتابه فی الحضاره العربیه، بیروت، دار الغرب اسلامی، ص ۲۰۱-۲۳۶
- [۷۴] هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۰، سامان سیاسی در جوامع دست خوش تغییر، ترجمه محسن تلاشی، تهران، انتشارات علم، ص ۴۷
- [۷۵] _____، ۱۳۷۵، نظریه ی برخورد تمدن ها، برگردان: مجتبی امیری، تهران، موسسه ی چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ص ۳۷-۳۸
- [۷۶] ابادزی، یوسف و دیگران (۱۳۹۰)، فراروایات تمدن یا فرایند تمدن ها؟ خوانشی از پروبلماتیک فرهنگ - تمدن، فصل نامه تحقیقات فرهنگی، تهران، دوره ۴، شماره ۲
- [۷۷] فوزی، یحیی؛ صنم زاده، محمودرضا (۱۳۹۱) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی شماره ۹، ص ۱۰
- [۷۸] رمضان، روح الله، ۱۳۷۶، آمیختگی تمدن ها، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۹۵ و ۹۶
- [۷۹] خامنه ای، سید علی (۱۳۷۶) گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان، در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴ در khamenei.ir
- [۸۰] خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱)، بیانات در دیدار با قاریان، در تاریخ ۱۳۹۱/۰۴/۳۱ در khamenei.ir

[81] j.r. Lucas, the principles of politic (oxford: clarendon press, 1995) pp. 56-62

[82] robert a. dahl , “ the concept of power “ american behavioral scietist , 2 (1957)pp.201–

15